

(۳)

مشخصات اقتصاد اسلامی

مالکیت عمومی

مالکیت عمومی که آنرا اسلام در بسیاری از ثروتها و اموال معتبر دانسته باین معنی است که امت اسلامی در امتداد تاریخ (چه موجودین و چه آنها که بوجود میآیند) مالک میباشد و در این زمینه طبقه‌ای بر طبقه دیگر و یافردي بر فرد دیگر امتیاز ندارد بلکه همه مردم در استفاده از این نحو مالکیت یکسانند و بهره برداری از اموال و ثروتها آنیکه در حدود مالکیت عمومی قرار گرفته ، بعنوان مالکیت خصوصی حرام و ممنوع میباشد .

اینک پاره‌ای از موارد و دلائل مالکیت عمومی را بر می‌شمریم :

۱ - زمینها آنیکه در نتیجه جهاد مسلح راه دعوت اسلامی داخل حوزه اسلام شده باشد (۱) در صورتیکه هنگام فتح آباد باشند و این آبادی هم بدست انسان صورت گرفته باشد ، ملک عموم مسلمانان است و پیغمبر یا امام (حکومت اسلامی) حق دارد آنها را با قراردادی عادلانه در اختیار دهقانان قرار دهد و اجرتی که در قفه اسلامی از آن به «خراج» تعبیر شده ( از آنها بگیرد و بمصرف احتیاجات عمومی برساند .

علامه محقق صاحب جواهر در کتاب نفیس خود از بسیاری مصادر و کتابهای معتبر فقهی مانند «الفنیه» ، «الخلاص» و «التذکره» نقل میکند که فقهاء امامیه بر این حکم اجماع و اتفاق دارند که زمینهای آباد هنگام فتح ؛ از آن همه مسلمانان است (۲)

( ۱ ) مانند زمینهای عراق ، مصر ، ایران ، سوریه و اجزاء بسیاری از زمینهای

جهان اسلام .

(۲) جواهر الکلام و کتاب احیاء الموات ، چاپ قدیم صفحه ۱۷۸

مدرك فقهاء در این حکم روایاتی است که بمضامین زیر از طریق صحیح نقل شده :

این زمینها متعلق بهممه مسلمین است ، چه آنها که فعلا هستند و چه آنها که بعداً خلق میشوند و یا با اسلام میگردند (۱) زمینهاییکه با اعمال قدرت بدست مسلمانان رسیده و وقف همه مسلمین است و در دست کسانیکه آنها را آباد و زنده نگه میدارند گذارده میشود و باندازه توانائی خود خراج و اجرت زمینهارا میپردازند (۲) چه شخصی زمینهای خراجیه را میخرد و حال آنکه ملك همه مسلمانان است (۳)

علامه محقق با استناد بهمین روایات است که در کتاب شرایع مینویسد :

« خرید و فروش ، بخشش ، معاوضه ، تمليك ، اجاره وارث در زمینهای خراجیه جایز نیست » (۴)

۲ - زمینهاییکه از راه صلح بدست مسلمانان افتاده باشد ، در صورتیکه صلحنامه ای مبنی بر واگذاری این زمینها به مسلمین بسته شده باشد ؛ ملك همه مسلمانان است و هیچکس حق تصرف خصوصی بر اساس مالکیت فردی در آنها ندارد .

۳ - آبهای طبیعی که در سطح زمین قرار گرفته از قبیل آب دریاها ، نهرها ؛ و چشمه ها و همچنین آبهاییکه در اعماق زمین وجود دارد از مشترکات عمومی است و همه مردم میتوانند از آنها استفاده کنند علامه طوسی مینویسد : « آب دریا و نهرهای بزرگ برای همه مباح است و عموم مردم در بهره برداری از آنها مختارند برای اینکه رسول خدا میفرمود : مردم در سه چیز باهم شریکند ، آب ؛ آتش ، و مراتع عمومی (۵) البته اگر کسی با کار و حفر زمین چشمه ای را احداث کرد در استفاده از آن حق تقدم دارد و کسی نمی تواند مزاحم او شود .

ولی بنا بقیده بعضی از فقهاء نظر باینکه هیچگاه این بهره برداری نمیتواند مالکانه باشد ، در آن هنگام که احتیاجاتش بر طرف شد بر وی واجب است آب را در اختیار دیگران بگذارد که بیاشامند و بچبوانات خود بخورند و حق مطالبه عوضی هم ندارد چون ماده آب همیشه تحت سلطه مالکیت عمومی است (۶)

(۱) وسائل الشیعه « کتاب احیاء الموات » ج ۳ چاپ قدیم صفحه ۳۳۰ - الاستبصار

ج ۳ صفحه ۱۰۹ حدیث ۱

(۲) وسائل الشیعه « کتاب الجهاد » ج ۱۱ چاپ جدید صفحه ۱۱۸

(۳) الاستبصار « باب حکم ارض الخراج » ج ۳ چاپ جدید صفحه ۱۰۹

(۴) شرایع الاحکام « کتاب الجهاد » صفحه ۹۱

(۵) ... لخبر ابن عباس عن رسول الله ص ان الناس شرکاء فی ثلاث الماء والنار والکلاء (مبسوط) .

(۶) وجب علیه بذله بلا عوض لمن احتاج الیه لشر به ... ( از شیخ طوسی در مبسوط )

۴ - مواد اولیه زمین مانند معادن نفت ، نمک ، کبریت ، یا قوت و غیره که در اصطلاح فقهی با آنها «معادن ظاهریه» و معادن طلا و نقره تا آهن و مس که در قه با آنها «معادن باطنیه» میگویند ، بنا بر رأی بعضی از فقهاء از مشترکات عامه است و افراد نمیتوانند با اندازه نیاز مندیهای خود از آنها استفاده کنند بدون اینکه حق داشته باشند منابع طبیعی این مواد را تحت تصرف مالکانه خود در بیاورند .

علامه حلی در بحث «معادن ظاهریه» مینویسد : « این معادن را هیچکس بوسیله احياء و آباد کردن نمیتواند مالك گردد » ( ۱ )

و در یکی دیگر از کتابهای خود چنین مینویسد : « این معادن بوسیله احياء در تملك کسی در نمیآیند و بواسطه سنگ چینی و حیازت اختصاص به شخصی پیدا نمیکند و بر هیچکس جایز نیست آنها را در تبول خود در آورد ( ۲ ) ( البته این مطلب شامل مواد استخراج شده معادن نمیشود )

### مالکیت دولت

دولت اسلامی که در بسیاری از اموال و ثروتها مالک است عبارت است از مقام و منصبی که از طرف پروردگار برای سرپرستی ملت اسلام تعیین شده و رئیس این حکومت که همان پیغمبر و امام و جانشینان بحق آنها هستند) وظیفه دارد به اوضاع و مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همه جوانب زندگی مردم رسیدگی کرده و در حدود قوانین اسلام رفتار کند .

و روی همین اصل مالکیت دولت اسلامی بمنظور حفظ توازن اجتماعی و جلوگیری از بحرانهای اقتصادی که معمولاً در اثر تراکم ثروت و حبس مال در دست عده معدودی صورت می - گیرد تشریح شده و قرآن مجید هم باین عبارت کوتاه و متین ، «کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم» ( ۳ ) باین مطلب تصریح میکند .

اکنون بعضی از موارد مالکیت دولت را ذیل بیان میکنیم :

۱ - زمینهایی که بدون جنگ بدست مسلمین افتاده و زمینهای غیر آباد و زمینهایی که صاحبان نشان آنها را از روی اختیار بدولت اسلامی تسلیم کرده اند و آنها که صاحبان نشان منقرض شده باشند .

۱ - ان هذه المعادن لا یملکها احد بالاحیاء والعمارة [ تذکره علامه ]

۲ - لا یملک بالاحیاء ولا یختص بها المحجر ولا یجوز اقطاعها ( قواعد علامه - کتاب

النسب - صفحه ۲۲۲

( ۳ ) سورة الحشر آیه ۶

۲ - جنگلها و بیابانهای پهناور و بی آب و علف و مراتعی که بالای کوهها قرار گرفته است  
 ۳ - ثروتها و ثبک پادشاهان در قبول خود آورده اند و ارث کسیکه از دنیا رفته و وارثی  
 برای او نباشد .

۴ - معادن بنا بر رأی بسیاری از فقهاء (۱)

۵ - غنائمی که در جنگه بدون اذن امام بدست لشکریان میآید .

دلیل مالکیت دولت بر این قبیل ثروتها بعد از آیه قرآنی که صریحاً «انفال» را از آن

خدا و پیغمبر بیان میکند (۲) روایات بسیاری است که در تفسیر این آیه وارد شده .

علی علیه السلام فرمود : انفال متعلق به امام است و آن عبارت از زمینهای با ائمه صاحبی  
 میباشد که صاحبانش نابود شده و هر زمینی که بدون نبرد و لشکر کشی بدست مسلمین آمده باشد  
 و همچنین جنگلها ؛ بیابانها ، تهرود خانهها و سر کوها و زمینهای ناآبادی که صاحب ندارد . .  
 و امام و ارث هر کسی است که وارث ندارد و چاره درماندگان میباشد ، (۳)

ابو بصیر میگوید امام باقر فرمود : انفال متعلق بما است ؛ عرض کردم انفال چیست ؟

حضرت فرمود : و معادن ، جنگلها و هر زمینی که صاحب ندارد ، (۴)

حضرت صادق فرمود ، و اگر مردمی بدون اذن امام جنگیدند ؛ غنائمی که بدست

میآورند از آن امام است ، (۵)

\* \* \*

شکل مالکیت دولت با مالکیت عمومی هر چند که از جهت عدم جواز تصرف شخصی مالکی  
 در آنها و از جهت صرف منافع در مصالح عمومی با هم مشترکند اما جهت امتیاز اساسی آنها را  
 نباید فراموش کرد زیرا ثروتها و ثبک که در زیر سلطه مالکیت عمومی است ، دولت اسلامی نمی -  
 تواند آنها را در مورد بخصوصی هر چند که مقید و دارای مصلحت باشد خرج کند بلکه باید بمصارف  
 عمومی از قبیل تأسیس بیمارستانها ، تهیه لوازم تعلیم و تربیت و بهداشت همگانی و سایر  
 احتیاجاتی که همه مردم از آن بهره مند گردند ، برساند اما در املاک دولتی اختیارات دولت  
 اسلامی وسیع تر است یعنی همانطور که میتواند آنها را بمصرف احتیاجات عامه مسلمانان برساند  
 اختیار دارد در موارد لازم و مشروع معینی از آنها استفاده کند و روی این امتیاز تعبیر از «انفال»  
 (که متعلق بدولت اسلامی است) به «ثروتهای عمومی» شاید تعبیر صحیحی نباشد ؛

(۱) مانند مفید ؛ کلینی ، شیخ طوسی ، دیلمی و قمی ( جواهر الکلام ۱۶ چاپ جدید

صفحه ۱۲۹ )

(۲) یسئلونک عن الانفال قل الانفال لله والرسول سورة الانفال آیه ۱

(۳) وسائل الشیعه ج ۶ چاپ جدید ، ابواب الانفال ، صفحه ۳۶۵ حدیث ؛ اصول کافی ج ۲

چاپ جدید صفحه ۶۲۶

۴ - وسائل الشیعه ج ۶ چاپ جدید صفحه ۳۷۲ حدیث ۲۸

(۵) وسائل الشیعه ج ۶ چاپ جدید صفحه ۳۶۹ حدیث ۱۶